

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مهدی ضمیری

۱۹ جون ۲۰۲۰

اتحاد دوکوريا فرا رسیده است

کوریای شمالی چین با ابعاد کوچکتر، مدرن پیشرفته

خروج تمامی نیروهای امریکائی از خاک کوریا خواست همه مردم دوکوریا



کوریای شمالی از ویژگی های منحصر به فردی بر خوردار است اولاً با روسیه و چین دو کشور نظامی اقتصادی قدرتمند همسایه است و از طرف دیگر با بخش اشغالی کوریای جنوبی تحت کنترول امریکا که این کشور را به یک روسپی خانه جهانی تبدیل کرده است و صدها نفر از دختران و زنان هر ساله توسط سربازان امریکائی که از هیچ پرنسپیی بر خوردار نیستند و حیثیت و اعتبار انسانی ندارند مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند و طبق توافق بین آنها کوریای جنوبی مستعمره امریکا این کشور نمی تواند و اجازه ندارد متجاوزان را محاکمه کند در همین رابطه ده ها بار تظاهرات بزرگی در کوریای جنوبی سالیانه برگزار می شود که خواهان خروج این نیروهای وحشی امریکائی از این بخش خاک کوریا هستند .

در کنگره قاهره پس از شکست فاشیسم در جنگ جهانی دوم و تقسیم کوریا بین دو کشور امریکا و شوروی توافق کردند تا یک کشور کوریای واحد تشکیل شود و به رسمیت شناخته شود. کوریا بیش از صدو پنجاه سال مستعمره جاپان بود و تنها بعد از جنگ جهانی دوم بین شوروی و امریکا بر اساس اشغال سرزمین دوبرخس کوریا اشغال شد . بعد از آغاز جنگ سرد بین بلوک شرق و غرب کوریا بین این دو کشور با دو ایدئولوژی مختلف شکل گرفت .

از آنجا که کوریا تحت استعمار جاپان پیش از پایان جنگ جهانی دوم بود و کمونیست ها سالها برای رهائی کوریا از استعمار جاپان جنگیده بودند و بخشهای بزرگی خاک کوریا را کنترل می کردند تحت رهبر کیم ایل سونگ رهبر کوریای شمالی تلاش کردند به سرعت دو بخش کوریا را بر اساس توافق قاهره متحد کنند که امریکا حاضر به برنامه این اتحاد نشد و بخش کوریای جنوبی را همچنان در کنترل داشت که جنگ چریکی علیه امریکا و بخش جنوبی کوریا که عمدتاً در زیر یوغ فاشیسم جاپان بودند، آغاز شد.

در ۲۵ جون ۱۹۵۰ مبارزان شبه جزیره کوریا در اقدامی هم آهنگ درصدد آزاد کردن بخش جنوبی کوریا بر آمدند که امریکا مداخله کرد و عملاً طرف فاشیستهای جاپانی را گرفت که هنوز در خاک کوریا فعال بودند حمله همه جانبه پارتیزانهای کوریای شمالی و نیروهای مبارز کوریای جنوبی با پشتیبانی شوروی و چین در قبال حمله زمینی و هوایی امریکا و شکست سخت امریکا این کشور مجبور به امضای قرار داد صلح شد. و از آنجا که هم شوروی و هم چین در مبارزه با فاشیسم افسار گسیخته تمرکز را بر روی فاشیسم اروپا و جاپان گذاشته بودند با برنامه تدارک دیده شده امریکا را تا مرز فعلی دو بخش کوریا عقب راندند و قرار داد صلح را به امریکا تحمیل کردند.

امریکا بلافاصله بخش کوریای جنوبی را به پایگاه نظامی در جنوب شرقی آسیا تبدیل کرد تا به قول خودش چین و شوروی را در محاصره و کنترل داشته باشد که آغازی بود برای جنگ سرد امریکا تنها در جنوب شرقی آسیا بیش از چهارصد پایگاه نظامی دارد.

جمعیت کوریای جنوبی حدود ۵۱ میلیون نفر است که اکثریت را کوریائی ها تشکیل می دهند. ۴۶,۵ درصد از مردم این کشور مذهب ندارند زبان رسمی و رایج، زبان کوریائی است

از سال ۱۹۴۵ که دو کوریا از هم جدا شدند، تغییرات فرهنگی مختلفی را تجربه کرده اند، ولی فرهنگ غالب کوریائی مشترک بوده است. از نگاه فرهنگی، شبه جزیره کوریا بخشی از همسایه بزرگترش، یعنی چین قرار داشت دو کوریا هیچ وقت نتوانسته اند خود را از این حیث، از چین جدا کنند حتی در برنامه های فرهنگی.

همزمان با اوج گیری درخواست اتحاد دو کوریا و بیرون راندن قوای نظامی امریکا از کوریای متحد یک بار دیگر نیروهای راست طرفدار امریکا درصدد به هم زدن همکاری دو بخش کوریای شمالی و جنوبی بر آمده اند.

در حالی که دوران امریکای در هم شکسته فرا رسیده است ولی باز هم رسانه های راست افراطی از همه قماش قلم به دست در صدد تحریف واقعیت ها بر آمده و نگران اتحاد دو کوریا هستند. خواست اتحاد دو کوریا با توجه به جمعیت دو کشور که به هشتاد میلیون می رسد دیگر بر کسی پوشیده نیست کوریای جنوبی مرکز مونتاژ صنایع امریکا و جاپان بدون هیچ اختیاری در مورد استقلال اقتصادی که تا کنون بخشی از ایالات متحده امریکا بوده که منابع زیادی خلاف کوریای شمالی ندارد و از نظر نظامی پادگان نظامی امریکا در جنوب شرقی آسیاست مانور این کشور بسیار محدود به جزیره کوچکی است که نصف خاک کوریای شمالی هم نمی شود تازه کوریای شمالی از منابع معدنی فراوانی بر خوردار است که امکان خود کفائی را به کل کشور داده است.

کوریای جنوبی مرکز آموزش مرتجعترین نیروهای مذهبی ضد چپ جهان است که شبانه روز از طریق انواع کلیساهای امریکائی که تعداد آنها کم هم نیستند شبانه روز علیه کمونیست ها و مذهب کنفوسیوس فعالند همان فاناتیکرهای که پس از شروع اپیدمی کرونا مردم را به کلیساهای کشاندند و ادعا کردند که کلیسا مانع ورود ویروس خواهد شد نشان به همان نشان که رژیم سرپا نظامی کوریای جنوبی همه آنها را پس از پخش ویروس تعطیل کرد و بسیاری از آنها فرار را بر قرار ترجیح و به امریکا آمدند.

با آغاز بلبشو در امریکا طغیان عمومی علیه حضور نظامی امریکا در کوریای جنوبی جان گرفته که از سال ۱۹۵۱ تاکنون کوریای جنوبی را به بزرگترین پادگان نظامی جهان با همهٔ سلاحهای موجود از جمله بمب اتمی مسلح کرده است و از آنجا که راستهای نژاد پرست و ضد کمونیست در این کشور کم نیستند خطر اقدامات تخریبی از جمله استفاده از این ابزار جنگی برای به هم ریختن اوضاع بسیار وجود دارد از جمله آن کوریای جنوبی و سردمداران راست و محافظه کار آن به یک باره نیروی نظامی فراوانی را در مرز دوکوریا به کمک امریکا آغاز کرده اند .

همکاری توافق شده بین دو کشور را کوریای جنوبی یک طرفه به هم زده و از آنجا که سیاست بی ثبات کردن کوریای شمالی هدف اصلی است سبلی به سمت خودشان برگشت و کوریای شمالی دفتر همکاری دو دولت را در مرز مشترک که عملاً از طرف کوریای جنوبی غیر قابل استفاده بود منفجر کرد و اعلام کرد که هرگونه واکنش نظامی چه از طرف امریکا و چه از طرف راستهای فاشیست را پاسخ نظامی خواهد داد که دستان امریکا را در حنا گذاشت که خود در گیر معضل بی اعتباری داخلی و جهانی قرار دارد و سر در گریبان کرونا با تلفات سنگین و آلوده بودن بیش از دویلمیونفر این کشور نشان داده است که قادر نیست مشکلات کشور را مدیریت کند بنابراین قادر نیست راستهای جنگ طلب کوریای جنوبی را حمایت نظامی کند .

واقعیت آن است که امروزه کوریای شمالی علی رغم تحریم های امریکا و شرکا به قدرت هسته ای و دارای یکی از بزرگ ترین نیروهای نظامی و راکتی جهان تبدیل شده و همزمان با چین که از رفاه اجتماعی وسیعی برخوردار است و همسایه دو کشور ثروتمند چین و روسیه قرار دارد که هر نوع دست از پا خطا کردن محافظه کاران کوریای جنوبی و امریکا هزینه گزافی و حتی پاشیدگی امریکا را در پی خواهد داشت

اولویت اول کوریای شمالی پس از جنگ جهانی دوم خود کفائی مواد غذایی و صنعتی کردن تدریجی کشور بود کوریای شمالی موفق شد تمامی برنامه های از پیش تعیین شده را اجرایی کند . اما همزمان با پیشرفتهای صنعتی و علمی این کشور انتقال سلاحهای اتمی امریکا به کوریای جنوبی و جزایر اطراف آن اولویتهای دیگری را می طلبد درحقیقت شاید کمتر کسی به یاد بیاورد که اقتصاد کوریای شمالی، زمانی مایه رشک طیفی از نخبگان کوریای جنوبی نبوده باشد.

این کشور بعداز جنگ جهانی دوم از همه امکانات شوروی سابق و چین با داشتن مرز مشترک زیاد استفاده کرد و پس از رقابت اتمی بین دو بلوک به سرعت خود را به مدرن ترین سلاحهای اتمی و غیر اتمی مسلح کرد و بدین ترتیب هزینه نظامی کمر شکنی را به امریکا که چهارصد پادگان نظامی در منطقه دارد، تحمیل کرد.

در سال ۱۹۵۹، کیم ایل سونگ رهبر وقت کوریای شمالی با توجه به دست آوردها پیش بینی کرده بود که کشور او در عرض ده سال به خودکفائی صنعتی خواهد رسید و از نظر تولید سرانه صنعتی خود را به سطح کشورهای پیشرفته خواهد رساند ولی این برنامه ریزی با رقابت دو ابر قدرت که به طور وحشیانه ای آغاز شده بود کوریای شمالی اولویت را بر روی قدرت نظامی گذاشت در عین حال که ارتش در تولید مایحتاج کشور نیز نقش مؤثر و تعیین کننده ای بازی می کرد.

رشد اقتصادی کوریای شمالی در طول برنامه سه ساله ۱۹۵۶-۱۹۵۴ به عدد باورنکردنی ۳۰ درصد برنامه پنج ساله رسیده بود. رشدی که البته بخش اعظم آن حاصل بازسازی آن از کشور تخریب شده در دوران بعد از جنگ کوریا (۱۹۵۳-۱۹۵۰) محسوب می شد ولی هرچه بود، در دهه ۱۹۶۰ کوریای شمالی را پویاترین قدرت اقتصادی آسیا بعد از جاپان می دانستند.

گزارش های از طبقه بندی خارج شده سازمان اطلاعات مرکزی امریکا در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، حاوی مقایسه هایی از وضعیت اقتصادی کوریای شمالی و کوریای جنوبی هستند که با تصورات امروز تفاوت معنی داری دارند.

مثلاً گزارش ۲۱ سپتامبر ۱۹۶۷ سازمان سیا تحت عنوان مقاصد و قابلیت های کوریای شمالی مقایسه بهتر از کوریای جنوبی از سال ۱۹۵۴ تأکید دارد مخصوصاً تا ۱۹۶۰، رژیم کوریای شمالی جهت اهداف در زمینه صنعتی شدن سریع و دستیابی به درجات بالای خودکفائی، پیشرفت های عظیم صورت گرفته است. چنین دستاوردی، تحسین برخی از مردم کوریای جنوبی، به ویژه دانشجویان و روشنفکران را برانگیخت که از پیشرفت نسبتاً پائین اقتصادی خود دلسرد شده بودند. "سیا" هشدار می دهد که این پدیده، به یکی از محورهای اصلی تبلیغات کمونیست ها در موضوع [تبلیغ] اتحاد دوکوريا تبدیل شده است.

گزارش می افزاید البته در دهه ۱۹۶۰ رشد اقتصادی کوریای جنوبی شدت گرفته ولی تا زمان تنظیم گزارش، درآمد سرانه آن هنوز پائین تر از کوریای شمالی است.

یک گزارش جدیدتر "سیا"، که در مه ۱۹۷۲ و تحت عنوان کوریای شمالی و جنوبی، دو مسیر جدای توسعه اقتصادی منتشر شده، می گوید در سال های اخیر ساختار اقتصاد هر دو کشور کمابیش یکسان رشد کرده و سپس به توضیح تفاوت های موجود میان دو اقتصاد پرداخته است. بنا بر این گزارش در سال ۱۹۷۱، کشاورزی یک چهارم تولید ناخالص ملی را در کوریای جنوبی و حدود یک پنجم این تولید در کوریای شمالی را تشکیل می داد. سهم صنایع در تولید ناخالص ملی، در کوریای جنوبی حدود ۳۰ درصد و در کوریا شمالی بیش از ۴۰ درصد بود. هرچند بخش خدمات... سهم بزرگ تری را در تولید ناخالص ملی کوریای جنوبی تشکیل می داد.

در بخشی از همین گزارش بر مبنای اطلاعات سال ۱۹۷۱، میزان تولید الکتریسیته در کوریای جنوبی حدود ۶۵ درصد کوریای شمالی، و میزان تولید ماشین ابزار تنها ۳۱ درصد کوریای شمالی عنوان شده در حالی که جمعیت آن وقت کوریای جنوبی حدود دو و نیم برابر همسایه شمالی خود بوده است

گزارش سازمان اطلاعات مرکزی امریکا در سال ۱۹۷۲ نهایتاً تأکید دارد که در زمان تهیه گزارش، مزیت اقتصادی کوریای جنوبی، در بخش های کشاورزی و خدمات، و مزیت نسبی کوریای شمالی، در زمینه صنایع سنگین و نیز درآمد سرانه بوده – که گزارش این درآمد را در کوریای شمالی حدود ۲۰ درصد بالاتر از کوریای جنوبی تخمین می زند. در مورد وضعیت نسبی درآمد سرانه در دو کوریا، البته تخمین های متفاوتی وجود دارد و در برخی از آنها، کوریای شمالی دارای برتری ذکر شده در گزارش مه ۱۹۷۲ "سیا" نیست. ولی اغلب تخمین ها حکایت از آن دارند که تا سال ۱۹۷۳، کوریای شمالی و کوریای جنوبی به لحاظ درآمد سرانه وضعیت تقریباً برابری داشته اند.

به خاطر عدم انتشار اطلاعات اقتصادی در کوریای شمالی، اطلاع از میزان تولید ناخالص داخلی این کشور بر راحتی ممکن نیست. اما بانک مرکزی کوریای جنوبی و برخی مؤسسات جهانی، بر مبنای داده هایی که به دست می آورند تخمین هایی را در این زمینه منتشر می کنند

کوریای جنوبی هم اکنون، یکی از مونتاژ کنندگان صنعتی در آسیا محسوب می شود که برخی شرکت های آن همچون سامسونگ، ال جی یا هیوندای که همگی زایده های کمپانیهای امریکا و جاپان هستند سهم بزرگی از بازارهای اروپا، آسیا و امریکا را اختیار دارند این گزارش درست نیست برای این که بخش اعظم کارخانجات کوریای جنوبی متعلق به شرکتهای امریکائی است که فقط صنایع مونتاژ را شامل می شود.

بیشتر تولیدات کوریای جنوبی در چین تولید و مونتاژ می شوند در واقع در کوریای جنوبی دلالات ن مفت خور امریکا جا خوش کرده اند چون کوریای جنوبی منابع طبیعی لازم برای این نوع تولیدات را ندارد آنهم تولید انبوه. تازه خود امریکا هم به همین ترتیب تمامی تیلیفون های جهان در چین تولید می شود و صاحبان و سفارش دهندگان آنها دلالاتی بیش نیستند .

کوریای شمالی اما در سه دهه گذشته بارها دچار خشک سالی و سیلاب شده است با وجود همسایگانی چون چین و روسیه و ذخایر مواد غذایی فراوان هرگز مشکل مواد غذایی در طول حیات خود نداشته است تازه میلیون ها نفر کوریائی در مرز دو کشور چین و روسیه زندگی می کنند . از آنجا که کار تولیدی در کوریای شمالی جمعی است در کاشت ، برداشت و ذخیره مواد غذایی این کشور هرگز مشکل گرسنگی و بی غذایی نداشته است .

کشور کوریای شمالی دوبرابر کوریای جنوبی وسعت دارد و مناطق کوهستانی فراوان که ابرهای باران را به سرعت تبدیل به بارانهای شلاقی می کند که موجب فرسایش سطح زمین مخصوصاً در مناطق کوهستانی می شود . البته این سیلابها وقتی از مناطق کوهستانی سرازیر می شوند می توانند فرسایش خاک فراوانی ایجاد کنند که ترمیم آنها ده ها سال طول می کشد .

در تمام دوران بعداز انقلاب کوریا این کشور فقط یک بار ر آنهم در اثر باران های موسمی ، شلاقی و فرسایش خاک ، ایجاد سیلاب از سازمان جهانی خوارو بار درخواست کمک آنهم محدود کرده است و نه بیشتر . درآمد سرانه کوریای شمالی معادل در آمد سرانه چین است .

کوریای شمالی از بدو انقلاب تا کنون فقط یک بار که در بالا اشاره شد از منابع جهانی در خواست کمک کرده است مردم کوریای شمالی یکی از سرزنده ترین مردم جهانند اکثر قریب به اتفاق آنها از کودکستان تا پایان دانشگاه از امکانات رایگان استفاده می کنند و اصولاً بیسواد ندارند . تازه به تکنیک اتمی و هیدروژنی هم مسلح هستند و خیلی راحت به ترمپ هشدار دادند کوچکترین اقدام نظامی علیه کوریای شمالی معادل بمباران واشینگتن و دیگر شهرهای امریکا خواهد بود این است که ترمپ و تیم خرافه گرای وی به سرعت با کوریای شمالی وارد مذاکره شدند و جرأت ندارند دست از پا خطا کنند آنهم در شرایطی که دوکوریا خواهان اتحاد هستند و برای امریکا نقشی تعیین نکرده اند این است که سرمایه داران و دلالات کوریای جنوبی بار و بندیل را بسته و در حال فرار به کعبه خود امریکا هستند.

چهارمین ارتش بزرگ جهان

میزان تعیین کننده ای از فاصله موجود، ناشی از هزینه انتخاب های ستراتیژیک کوریای شمالی در زمینه تسلیحاتی و هسته ئی، کشورهای غربی را حسابی گیج کرده است ولی یک چیز کاملاً مسجل است هیچ کشوری جرأت تجاوز به خاک کوریای شمالی را ندارد حتی امریکا .

پیونگ یانگ به یک شهر مدرن با آسمان خراشهای بی نظیرتبدیل شده است هر پنج شهر دیگر کوریای شمالی به همین ترتیب تمامی اتوبان ها عریض و مرمت شده اند و انواع ماشینهای تولید داخلی در راه هستند همانند شهرهای چین، اینها همه نتایج یک برنامه پنج ساله است.

هزینه نظامی کوریای شمالی مثل کشورهای غربی نیست که در آن بجای بچاپ است و از گرده مردم سوء استفاده می کند در کوریای شمالی بازدهی کار و راندمان آن تعیین کننده است که می تواند خود را از نظر تکنیکی به بمب اتمی و هیدروژنی مسلح کند و هر ساله نمایش قدرت ارتش را به رخ بکشد .

نتیجه آن که مطابق گزارش موازنه نظامی ۲۰۱۷، در این سال کوریای شمالی با وجود برخورداری از نصف جمعیت کوریای جنوبی، ارتشی دو برابر با حدوداً ۱.۲ میلیون نفر پرسنل داشته است. همچنین با وجود برتری هوایی سنول به لحاظ کیفیت و تعداد هواپیما (۵۶۷ در مقابل ۵۴۵)، پیونگ یانگ از نظر توپخانه (۲۱ هزار به ۱۱ هزار)؛ تانک (۳۵۰۰ به ۲۴۰۰) و زیردریایی (۷۳ به ۲۳) بر سنول برتری دارد تازه معلوم نیست اگر جنگی صورت گیرد مردم کوریای جنوبی چه عکس العملی نشان خواهند داد.

از همین الان گزارش شده است که بسیاری از خارجی های مقیم، کوریای جنوبی را ترک می کنند که خود نشانه ناامنی جامعه در شرایط بحرانی است

برخی از ویژگی های نظامی کوریای شمالی آن را نه تنها فراتر از رقیب به شدت مسلح خود یعنی کوریای جنوبی نشان می دهد بلکه در سطح قدرت جهانی قرار می دهند. مثلاً اگرچه کوریای شمالی از نظر جمعیت در رده ۵۲ دنیا قرار گرفته، اما چهارمین ارتش بزرگ دنیا را دارد. تعداد نیروهای ویژه و نیز زیردریایی های کوریای شمالی نیز، بعد از امریکا در رده دوم جهانی هستند.

پیونگ یانگ، یکی از قدرت مندترین نیروهای راکتی دنیا را دارد و راکت های آن، با برد حداکثر ۱۳ هزار کیلومتر، هر نقطه امریکا و اروپا را در تیررس دارند.

از همه اینها مهم تر، قدرت هسته ای کوریای شمالی است که گفته می شود شامل ۲۰ الی ۳۰ سلاح اتمی است پیونگ یانگ آزمایش بمب هیدروژنی را هم با موفقیت پیش برده است.

این ویژگی ها، ظاهراً همان چیزهایی هستند که مدل کوریای شمالی را عرضه می کنند و ستایش کنندگان فراوانی هم دارد که برای کشورهای جهان سوم جذاب است در نگاه این ستایش کنندگان، تبدیل شدن پیونگ یانگ به یک قدرت برتر نظامی، به ویژه در عرصه های راکتی و هسته ای، جامعه این کشور را برای همیشه در مقابل هرگونه تهدیدی مصون کرده و در نتیجه، دستاورد عظیمی است.

رهبران گذشته کوریای جنوبی یعنی خانواده پارک گیون هی عمل کرد وحشتناکی داشتند اولین رئیس جمهور کوریای جنوبی یک افسر فاشیست در ارتش جاپان بود که توسط رئیس سازمان امنیت خودش به طرز فجیعی کشته شد سرکوب از نوع فاشیسم جاپانی خود رئیس جمهور با هلیکوپتر تا سه هزار و پانصد نفر را با تیربار در شهر هانجو قتل عام کرد که معرف خاص و عام هست همسرش با هاراکیری خود کشتی و وحشتناکی کرد که یکی از وحشتناک ترین شیوه خود کشتی است دخترش پارک به اتهام دزدی محکوم به ۲۶ سال زندان شده که فعلاً در زندان آب خنک می خورد. و احتمالاً زنده از زندان بیرون نخواهد آمد خانواده ای منفور، جانی و دزد با تفکرات فاشیستی.

مهدی ضمیری (۲۰۲۰/۰۶/۱۸) برلین